



مشرق زمین؛ محل قیام فراهم کنندگان حکومت حضرت مهدی(عج)

پیامبر (ص) فرمودند، بهشت در مشرق زمین است که یک دلیل آن، این است که همه انبیاء، ائمه معصومین(ع) و اولیاء خدا همگی در مشرق زمین بودند...

پیامبر (ص) فرمودند، بهشت در مشرق زمین است که یک دلیل آن، این است که همه انبیاء، ائمه معصومین(ع) و اولیاء خدا همگی در مشرق زمین بودند، اما یک دلیل دیگر این است که مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه سلطنت حضرت مهدی(عج) را فراهم می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) جلسه دویست و شصت و نه درس اخلاق آیت‌الله قرهی(مد ظله العالی) به مناسبت ایام پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد که شرح آن در ادامه می‌آید.

جلسه اخلاق این هفته ما، یک رنگ و بوی خاصی دارد و آن هم ایام پیروزی انقلاب مهدوی است. انقلابی که در کنز العمال، وجود مقدس پیغمبر اکرم، خاتم رسل، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایت شریفه‌ای فرمودند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ» [۱] گروهی از اهل مشرق، قیام می‌کنند که «فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ» عامل برای حاکمیت حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌شوند.

بارها بیان کردم و باز هم بیان می‌کنم، شما هم از این‌جا به بعد، بر روی این مطلب تأکید کنید و سعی کنید مبلغ آن شوید؛ چون الآن وقت بیان این قضیه است که مؤسس این انقلاب، حضرت امام راحل (اعلی الله مقامه الشریف) نیستند. مؤسس این نظام، خود حضرت حجّت (روحی له الفداء) است. امام راحل عظیم‌الشأنان، آنکه در ایمان و اخلاق، در درجه‌ای بودند - که بحث ما هم این بود که متخلّفين به اخلاق الهی در اوج ایمان هستند و در نشانه‌های آن به «طاعت» رسیدیم. حالا إن شاء الله روایاتی را هم در این زمینه بیان خواهیم کرد؛ بالجد مطیع و عبد بودند.

واقعاً این مطلب بر اذهان اعلام شد که این سلام را به ایشان بدهند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ». آن روح خدا، آنکه در روایات، در مورد ایشان آمده: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ» [۲]، آن مرد الهی، نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود؛ مؤسس نظام نبود.

البته این را بیان کردم، شما هم برای دیگران بیان کنید و آن، اینکه بحث نظام مهدوی، با دولت مهدوی دو چیز است. دولت مهدوی، زمان حضرت حجّت است، هر دولتی قبل از دولت امام زمان، ادعای دولت مهدوی کند، باخته و غلط است. اما اینکه این نظام، متعلق به حضرت حجّت (روحی له الفداء) است، ادله و براهین عجیبی دارد که بعضی از آن‌ها را حسب روایات شریفه، بیان می‌کنم و بعد از آن، ادامه بحثمان را خواهیم داشت.

بهشت زمین کجاست؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «الْجَنَّةُ بِالْمَشْرِقِ» [۳]، بهشت در مشرق زمین است. یک دلیل آن، این است که همه انبیاء در مشرق زمین بودند و بعدها انسان‌ها مهاجرت کردند. لذا ائمه معصومین، اولیاء خدا و... همه در مشرق زمین بودند. اما یک دلیل دیگر آن، این است: مردمی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه سلطنت و حاکمیت حضرت حجّت بن‌الحسن‌المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را فراهم می‌کنند، «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ»

پاسخ به ادعای اینکه می‌گویند: قیام قبل از قیام حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، باطل است خود این مطلب، دلیل بر این است که یک عده که می‌گویند: قبل از قیام حضرت حجّت (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قیام، باطل است؛ حماقت محض است. بیان کردن دولت مهدوی، باطل است. لذا ملاک ما این است که قیامی شکل بگیرد و آن قیام از ناحیه خود حضرت باشد.

برای ما هیچ شکی ولو به یک درصد نیست و من به صراحت این را بیان می‌کنم که اصل این نظام، متعلق به حضرت حجّت (روحی له الفداء) است و هر کس هم با این نظام درافتاد، همان‌گونه که از اوّل انقلاب تا به حال دیدیم، ور افتاده است. مانند غائله کردستان، غائله سیستان و بلوچستان، غائله خوزستان، غائله تبریز، غائله خلق مسلمان، غائله آمل، کودتای نوژه و... گروه‌هایی هم بودند که مانند قارچ می‌رویدند، مثل پیشگام، پیشکار، فدایی خلق اکثریت و اقلیت و... این مطالب غوغا بود، آن هم در مورد انقلابی که هیچ نداشت. ارتش آنکه مال شاه بود و در آن زمان، هنوز سپاه و بسیج و... نبود. انقلابی که هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا به راحتی به طیس آمدند و رادارها در اختیار آن‌ها بود.

وضعیت آن زمان طوری بود که من یادم نمی‌رود یکی از آقایان در همان اوایل انقلاب بیان کرد: ای کاش انقلاب نمی‌کردیم،

ایران دارد با غائله کردستان و... تکه تکه می شود. اما چه کسی بود این انقلاب را نجات داد؟ یک دست دیگری در کار بود. من به صراحت به شما بیان می کنم: می شود یک پیرمردی که به تعبیر ما دیگر بازنشسته است، تازه در هشتاد سالگی، حکومت تشکیل می دهد؟! معلوم است که ایشان به جای دیگری وصل است و یک دست و قدرت دیگری در کار است.

امام راحل و امام المسلمین، مهرهای بیش نیستند!

من قبلاً هم به صراحت بیان کردم، باز هم بیان می کنم و ابایی ندارم: امام، مهرهای بیش نبودند. کما اینکه الآن، امام المسلمین هم مهرهای بیش نیستند. یکی دیگر این مملکت را می چرخاند. هر دوی این سیدان عظیم الشان مطع امر مولایند و هیچ قدرتی از خودشان ندارند. اتفاقاً همین عین قدرت است که کسی از خودش قدرتی نداشته باشد و همه مطالب او از ناحیه آقا جان، حضرت حجت (روحی له الفداء) باشد! این قدر این انقلاب عجیب است که صددرصد مثل ما، مثل ماهی در آب است و هنوز نمی فهمیم که چه خبر است و چه غوغایی است.

شکست ناپذیری صددرصدی انقلاب!

لذا خود این روایت بیان می کند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» گروهی از مشرق، زمینه حاکمیت حضرت حجت (روحی له الفداء) را فراهم می کنند. یعنی بدانید که این انقلاب شکست نمی خورد و این، صددرصد است که شکست ناپذیر است. هر کس هم در این انقلاب نقشی داشت - که بعضی به ظاهر تصور می کنند مؤسس این انقلاب بودند، در حالی که مؤسس آن، خود حضرت حجت (روحی له الفداء) بودند - اما الآن تغییر کرده و طور دیگری شود، خودش از دایره خارج می شود. این انقلاب، شکست نمی خورد.

زمینه سازی دومین قیام در طلب حق، برای تحویل حکومت به حضرت حجت (روحی له الفداء) در روایتی آمده که به نقل از عبدالله، بیان می کند: «بیتما نحن جُلوسٌ عند رسول الله صلى الله عليه وآله» [4] در محضر پیامبر اکرم، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم، «إِذْ مَرَّ فَنِيَّةٌ مِنْ قَرِيْبٍ فَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ» چند جوان قرشی از آن جا گذشتند. رنگ حضرت دگرگون شد. «فقلنا: يا رسول الله، إنا لا نزال تری فی وجهک شیئاً نکرههُ» عرض کردیم: ای پیامبر خدا! ما در چهره شما حالت ناراحت کننده ای می بینیم!

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نکاتی را فرمودند، از جمله اینکه بیان کردند: «إنا أهل بیت احتار الله لنا الآخرة على الدنيا» ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را به جای دنیا برایمان برگزید. «و إن أهل بیتی هؤلاء سیصیبهم بعدی بلاء و تطرید و تشرید حتی یخرج قوم من هاهنا و أوماً بیده نحو المشرق - معهم رایات سود، یسألون الحق فلا یعطونه» خداوند این طور مقدر کرده که پس از من، خانوادهام گرفتار بلا و آوارگی و تبعید خواهند شد، تا آنکه مردمی از اینجا - با دستش به مشرق اشاره کرد - با پرچم های سیاه قیام کنند که حق را طلب می کنند، اما به آنان نمی دهند. «و یسألون فلا یعطون» دوباره حق را می طلبند، اما باز به آنان نمی دهند. «فیقاتلون و یضربون، فیعطون ما سألوا»، پس دست به جنگ و مقاومت می زنند تا آنکه خواسته آنان را می دهند.

همان طور که می دانید آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی (اعلی الله مقامه الشریف) قیام کردند و به صورت ظاهر بعد از آن قضایای مصدق و... شکست خوردند. ایشان یک سلمانی مخصوص داشتند که سر کوچه ایشان بود و همیشه می آمد موهای آقا را کوتاه می کرد. یک روز جرأت پیدا کرد، گفت: آقا! جسارتاً اگر شما بعد از صد و بیست سال غریق رحمت الهی شدید، ما که مقلد شما هستیم، بعد از شما، به چه کسی مراجعه کنیم؟

در آن زمان، آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) در قید حیات بودند. اما ایشان با همان لهجه کاشانی خود فرموده بودند: به قم بروید، یک حاج آقا روح الله در آن جا هست، از او تقلید کنید. اقبالی برای او پیش می آید که عالم را می گیرد.

بعضی ها که اطراف آقا بودند و ایشان را می شناختند، چنین مطلبی را نشنیده بودند و تعجب کردند. چون در آن زمان، مرجع یکی بود که آیت الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف) بود. به جز ایشان هم افراد دیگری بودند که در حد مرجعیت بودند، اما فردی به نام حاج آقا روح الله نمی شناختند.

لذا آیت الله العظمی بهاء الدینی (اعلی الله مقامه الشریف) فرموده بودند: اینکه می فرمایند: «یسألون الحق فلا یعطونه و یسألون فلا یعطون فیقاتلون و یضربون» - در اولین بار که حق را طلب می کنند، نمی دهند؛ اما در دومی می گیرند - مراد از دومی، امام (اعلی الله مقامه الشریف) است.

پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله و سلم) در ادامه این روایت فرمودند: «فیعطون ما سألوا فلا یقبلونه، حتی یدفعوها إلى رجلٍ من أهل بیتی یمثلها قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»، این ها حق را می گیرند و دیگر آن را دارند، تا اینکه آن را به مردی از اهل بیت من می دهند - لذا این ها مقدمه و زمینه ساز هستند که حق را می گیرند و به صاحبش می دهند - که دنیا را پر

از عدل و داد می‌کند، همچنان که آکنده از انحراف و بی‌عدالتی شده بود.

ایرانی‌ها مشمول السابقون السابقون هستند!

در روایت دیگری، پیغمبر اکرم، خاتم رسل، محمد مصطفی فرمودند: «يَكُونُ قَوْمٌ مِنْ آخِرِ أُمَّتِي، يُعْطُونَ الْأَجْرَ مِثْلَ مَا يُعْطَى أَوْلَهُمْ» [۵]، در آخرالزمان، قومی می‌آیند که پاداش و اجرشان مانند اجر و پاداش اولین افراد امت خواهد بود. همان‌طور که می‌دانید قرآن فرمود: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَ سَبَقَتْ لِكُلِّ قَوْمٍ مَقْدَمَةٌ، أَنَانَدُ هَمَانِ مَقْرَبَانَ [خدا]» (واقعه/10 و 11) [۶]، «ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ، گروهی از پیشینیان، و اندکی از متاخران» (واقعه/13 و 14) [۷]. این «قَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ» ایرانی‌ها هستند. لذا شما ایرانی‌ها مشمول «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» هستید. من به هر آنچه که بیان می‌کنم، یقین دارم.

اما باز هم بیان می‌کنم؛ چون این مطالب را باید مدام گفت، مثل نماز که صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء می‌خوانیم، بعد مجدّد صبح و ظهر و عصر و... می‌خوانیم و تا لحظه مرگ هم باید بخوانیم. لذا این مطالب هم باید مدام تکرار شود. بیان کردم؛ اینکه ما در این دوره به دنیا آمديم، یک حساب و کتابی دارد.

ما از عالم ذر که آمديم، اولین جایگاه ما، صلب ابانا آدم بود، بعد مدام از صلبی به صلب دیگر، از صلبی به صلب دیگر و... رفتیم؛ بعضی ده هزار سال پیش، بعضی هزار سال پیش، بعضی پانصد سال پیش و... به دنیا آمدند تا اینکه من و شما در این دوره به دنیا آمديم. لذا حساب و کتاب دارد. حالا هر کس در این دوره، یار آقا جان، حضرت حجّت (روحی له الفداء) باشد؛ جزء «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» است. هر کس در این دوره مهدویت طوری شد که با نظام مهدوی، مقابله کرد؛ یقین بدانید مثل او، مثل یزید و شمر است، تازه اگر بدتر نباشد. این را اولیاء خدا بیان فرمودند. هر کس در هر لباسی، چه این لباس مقدّس و چه در لباس‌های دیگر باشد و با این انقلاب دربیفتد؛ گرفتار، بیچاره، بدبخت، ذلیل و خوار خواهد شد.

«يَكُونُ قَوْمٌ مِنْ آخِرِ أُمَّتِي، يُعْطُونَ الْأَجْرَ مِثْلَ مَا يُعْطَى أَوْلَهُمْ، يُقَاتِلُونَ أَهْلَ الْفِئْتَةِ، يُتَكْرَمُونَ الْمُتَكْرَمِينَ»، این‌ها با اهل فتنه می‌جنگند و با منکر و زشتی می‌ستیزند.

انقلاب ما اخلاقی بود و امام براساس اخلاق و ایمان قیام کرد. حالا باید ببینیم در ۳۵ سالگی انقلاب، به نام جشنواره فجر فیلم و سینما و... اسامی کسانی را عنوان می‌کنند که اصلاً با فحشا بودند! خیلی جالب است، اصلاً اگر می‌خواهید شاخص در دستتان بیاید، به این مطلب توجه کنید. واقعاً کسی که این شاخص‌ها را ببیند و متوجه نشود، کور است و کسی کورتر از او نیست. شاخص هم این است که هر کسی که فاحشه است و در فحشا و منکرات غوطه خورده، با انقلاب بد است!

در یک دولتی، فاسقان و فاجران به شهدا اهانت و جسارت کردند و گفتند: فلانی! نبودی ببینی رقص آزاد گشته. یعنی آن شعری را که در راستای آن شهید عظیم‌الشأن تبیین شده بود، این‌طور برگرداندند. لذا معلوم است، ببینید چه کسانی با انقلاب مخالف هستند. بینی و بین‌الله فاسق‌ها، فاجر‌ها، رقاصه‌ها، فاحشه‌ها، اهل منکر و... هستند که با این انقلاب مخالف هستند. حالا در این انقلاب، اسم چنین کسانی را که اصلاً آوردن اسمشان هم سخت است، بیاورند و فیلم‌های کثافت‌کاری و... آن‌ها را مطرح کنند. لذا باید با این‌ها مبارزه کرد.

ایران، حجّت بر همه شرق و غرب!

حضرت صادق القول و الفعل، امام جعفر صادق (صلوات الله و سلامه علیه) می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ أَحْتَجُّ بِالْكَوْفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ» [۸] خداوند کوفه را برای دیگر جاها و مؤمنان آن را برای مؤمنان دیگر سرزمین‌ها، برتری داد. لذا در این‌جا فضیلت اهل ایمان کوفه را تبیین می‌کند. اما در ادامه فرمود: «وَ أَحْتَجُّ بِبَلَدَةِ قَمٍّ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَ بِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ» و شهر قم را برای سایر شهرها و مردم آن را برای همه اهالی شرق و غرب عالم، از جنّ و انس، حجّت قرار داد.

قم در این‌جا یعنی ایران، گاهی در روایات، عنوان عجم یا اهل فارس و... داریم. لذا منظور از اهل فارس این نیست که حتماً منظور، استان فارس باشد. بلکه گاهی به عنوان ایرانیان به کار می‌رود. ملاک از عنوان قم هم تمام ایرانیان هستند. چون یک روایت داریم که عده‌ای از ری خدمت حضرت صادق القول و الفعل رسیدند و من این را قبلاً بیان کردم که حضرت فرمودند: «مرحباً بأهل قم»، عرضه داشتند: آقا! ما از ری هستیم، به هر حال ری در آن زمان معروف بود و آن موقعی که هنوز قم در هیچ جا معروف نبود، ری معروف بود. گندم ری را چه کسی می‌ساخت که با ابی‌عبدالله (علیه الصلوة و السلام) آن‌طور برخورد کرد؟! پس ری، معروف بود. حضرت فرمودند: می‌دانم، اما همه شما، به عنوان اهل قم هستید.

لذا در روایتی که بیان می‌کردیم، فرمودند: و بأهلها علی جمیع أهل المشرق و المغرب من الجنّ و الإنس» و در ادامه هم فرمودند: «و لم يدع الله قم و أهلها مستضعفا بل و فقهم و أيدهم...» خداوند شهر قم و مردم آن را مستضعف و ناتوان قرار نمی‌دهد، بلکه تأییدشان می‌کند و موفقشان می‌دارد.

لذا دست خدا با شما مردم ایران است، اگر - این اگر مهم است - خدایی باشید. فقط به شرط خدایی بودن، «و فقهم و أيدهم...».

بعد فرمودند: «و سیأتی زمانٌ تكونُ بلدةٌ قمّ و أهلها حُجّةً علی الخلائق، و ذلكَ فی زمانٍ عیبةٍ قائمنا علیه السلامِ إلی ظهوره»، روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن بر دیگر مردمان حجّت باشند. آن روزگار از زمان غیبت قائم علیه السلام ماست، تا هنگام ظهورش.

یعنی تا ظهور حضرت، این انقلاب ادامه دارد. این روایت که بعد از انقلاب نیامده، این روایت را علامه مجلسی (اعلی الله مقامه الشریف) جمع‌آوری کرده‌اند.

«و لو لا ذلكَ لساختِ الأرضُ بأهلها» اگر چنین نبود، زمین اهل خود را در کامش فرو می‌برد. ما در مورد حجّت خدا داریم که اگر بر روی زمین نباشد، زمین اهلش را در خود فرومی‌برد. اما در این جا می‌فرماید: اگر این اهل قم قیام نمی‌کردند، زمین، اهلش را فرومی‌برد. لذا این بحث هم به عنوان مکمل است. حالا فهمیدیم که این قیام برای حضرت حجّت (روحی له الفداء) است یا خیر؟

خدا آن مرد اخلاقی و الهی، حاج میرزا علی‌اصغر صفار هندی (اعلی الله مقامه الشریف) را رحمت کند. ایشان و مرحوم ابوی این مطالب را در آن زمان بیان می‌کردند و بعد از آن‌ها هم آیت‌الله مولوی قندهاری (اعلی الله مقامه الشریف) آن را تکمیل کردند که یک عده از بازاری‌ها از ایران محضر آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف)، مرجع یکه‌تاز آن زمان (مثل آیت‌الله العظمی بروجردی (اعلی الله مقامه الشریف)) رفتند، گفتند: آقا! وضع، خراب است. این‌ها دارند اذیت می‌کنند و... شما محبتی کنید. آقا فرمودند: من می‌نویسم، اما این‌ها خیلی حرف من را نمی‌خوانند. آن افراد خیلی ناراحت شدند که چطور کلام مرجعی یکه‌تاز، نباید نافذ باشد؟! عالم تشیع از شرق و غرب در ید قدرت اوست، آن وقت کلامش نباید نافذ باشد؟! آقا دیدند که این‌ها نگران هستند، فرمودند: نگران نباشید، یک حاج آقا روح‌اللهی است می‌آید و همه چیز درست می‌شود.

ما تا این‌جا بحث را خیلی شنیده بودیم، اما آیت‌الله مولوی قندهاری (اعلی الله مقامه الشریف) فرمودند: من به همراه یکی دیگر از آقایان - که نام او را هم بیان فرمودند - در آن جلسه بودیم، من سمت راست آقا نشسته بودم و او هم در سمت چپ. آقا بعد از این مطلبی که بیان فرمودند و نامه‌ای نوشتند و به این‌ها دادند، سرشان را پایین گرفتند و آرام فرمودند: «و لا تیاأسوا من رُوحِ الله» [۹]، از روح‌الله مأیوس نشوید! معلوم است این آیه را راجع به رحمت خدا بیان می‌کنند، اما ایشان روح‌الله را به امام ربط دادند و فرمودند: مأیوس نشوید.

لذا وقتی آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی (اعلی الله مقامه الشریف) ایشان را دیدند، متوجه شدند و فرمودند: ایشان، همان کسی است که می‌خواستیم. لذا همه مطالب را برای ایشان گفتند که تو چه می‌شوی، چطور می‌شود و....

حفاظت ملائکه از ایرانیان!

در ادامه روایت می‌فرمایند: «و إن الملائكة لتدفعُ البلايا عن قمّ و أهلِهِ» ملائکه، بلایا را از قم و مردم قم دفع می‌کنند.

همان‌طور که امام فرمودند: شن‌های طبس، مأموران خدا بودند. هنوز هم اطلاعات آن زمان در هواشناسی هست. می‌توانید مراجعه کنید و ببینید. دو روز قبل و دو روز بعد از آن قضیه، هوای طبس آرام آرام بوده است. یک دفعه غروب بادی آرام در صحرا می‌پیچد و بعد هم تبدیل به یک طوفان می‌شود. حتی نیروهای انقلابی هم نمی‌دانستند که در طبس یک پایگاه نظامی محدودی است که گاهی هواپیماها به آن جا می‌آیند.

کما اینکه پهباد آمریکایی‌ها هم که این دفعه آمد، باز هم در طبس نشست. بگذارید یک افشاگری کنم که شاید بعضی بگویند چرا بیان کردی؟! ولی من به صراحت می‌گویم که پهباد را هیچ کسی زمین نشانند، نه سپاه، نه ارتش، هیچ کسی این کار را نکرد. پهباد خودش نشست.

چه کسی به ذهن آن خلبان انداخت که بیاید قضیه کودتای نوژه را بگوید؟! او در آن شب کودتا خوابش نرفت و به توصیه مادر خود، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را که در آن زمان، رئیس‌جمهور بودند، از وقوع کودتا مطلع کرد. او گفته بود: من فقط می‌خواهم ایشان را ببینم و کار واجبی با ایشان دارم. او را پیش آقا بردند و برای آقا توضیح داد که امشب قرار است کودتا شود. آقا از حالات او متوجه شده بودند که راست می‌گوید. دستور دادند که سریع اقدام شود. حال، چه کسی آن شخص را فرستاده بود؟ ملائکه! «و إن الملائكة لتدفعُ البَلایا عن قَمِّ و أهله».

«و ما قصدهُ جَبَّارٌ بسوءٍ إلا قصمهُ قاصِمُ الجَبَّارین» هیچ ستمگری قصد سوء بدی به آنان نمی‌کند، مگر آنکه آن قاصم الجبّارین، او را از بین می‌برد.

هر کس با این انقلاب درافتاده، ورافتاده است. در هشت سال دفاع مقدّس، همه آمده بودند. می‌راژهای فرانسه، آواکس‌های آمریکا، پول‌های همه شیخ‌نشین‌ها در مقابل ما بود.

همان‌طور که حاج آقا سعیدی هم در برنامه دهه فجر فرمودند: آقای رفیق‌دوست که آن زمان، وزیر جنگ بود، به وزیر دفاع شوروی سابق - که کمونیست بودند و داشتند ایدئولوژی کمونیست را نشر می‌دادند - گفته بود: شما چرا علیه ما هستید؟ گفته بود: شما با انقلابتان، توجه را به سمت اسلام آوردید و ما را هم به هم ریختید. لذا همه با ما دشمن بودند.

در داخل هم دشمن داشتیم، مثل بنی‌صدر که می‌گفت: «ما زمین می‌دهیم و زمان می‌گیریم» و.... چه کسی یاری کرد؟

هر کس قصد بدی داشته باشد و با این‌ها بجنگد، از بین می‌رود و این یک مسئله طبیعی است.

ایران؛ خطری جدی برای واشنگتن و نیویورک!

یک مطلب دیگر بگویم؛ چون اخلاق ما عین سیاست است. در مورد آیه «وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» [۱۰]، روایتی از امام صادق (علیه الصلوة و السلام) است که بنده آن را در شرح شذرات المعارف بیان کردم، حضرت فرمودند: این یعنی همه اسلام، دین و قرآن. در قرآن همان پیامبری که رحمة للعالمین معرفی شده، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» [۱۱] هم است؛ یعنی با کفار شدیداً برخورد می‌کند. شما هر کسی را ببینید که با اسلام برخورد کرده، مسلماً باخته است، حالا هر کسی می‌خواهد باشد. اسلام حقیقی این‌جاست.

فلذا این را هم برای شما بیان کنم که دشمنان این انقلاب توان مقابله با آن را ندارند. البته خیلی‌هایشان که شعار می‌دهند و این هم که الآن خیلی تکرار می‌کنند، علتش خودمان هستیم. چون یک مدّت شعارهایشان را کم کرده بودند. بعضی‌ها باید یک مقدار در این قضایا تأمل کرده و بفهمنند. من نام نمی‌برم، اما خودشان بفهمنند. شما جوانان عزیز هم بروید در اینترنت سرچ کرده و ببینید که چرا الآن مدام می‌گویند: گزینه‌های دیگری هم روی میز داریم، ولی قبلاً این قدر بیان نمی‌کردند؟! یک مقدار خودمان باعث شدیم که آن‌ها مجدّد پرو شوند. اما این را برای شما بیان کنم که خودشان هم می‌دانند که دیگر جدی جدی هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند؛ چون یک موقعی فرمایش امام را باور نمی‌کردند و می‌گفتند: امام دارند شعار می‌دهند که دل ما را خالی کنند، اما بعدها دیدند که امام شعار نمی‌دهند، بلکه شعور است. حالا دیگر فهمیدند هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.

اتفاقاً ما از خدایمان هست که یک مقدار امتحان کنند. آمریکایی‌ها اگر راست می‌گویند در سوریه بیایند (اینجا را هم نمی‌گوییم)، اگر نیویورک و واشنگتن به خطر نیفتاد، آن وقت است که ما اسممان را عوض می‌کنیم. ما امروز واشنگتن و نیویورک را به راحتی به خطر می‌اندازیم. منتها اگر این کار را انجام نمی‌دهیم، برای این است که خیلی نجیب هستیم. ما امت نجیبی هستیم. ایرانی‌ها نجیب هستند. اما الآن قدرت آن را داریم، خوب هم داریم و خودشان هم می‌دانند. اما یک دلیل این حرف‌های بیهوده‌ای که می‌زنند، خودمان هستیم. و إلا این روایت است که فرموده: «و ما قصدهُ جَبَّارٌ بسوءٍ إلا قصمهُ قاصِمُ الجَبَّارین».

ایرانیان؛ قائم مقامان حضرت حجّت (روحی له الفداء)!

حضرت صادق القول و الفعل در جایی دیگر می‌فرمایند: «سَتَخْلُو كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» [۱۲] به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود. لذا این‌ها که فکر می‌کنند در آن‌جا خبری است، اشتباه می‌کنند. اصلاً در آن‌جا خبری نیست. اتفاقاً آن‌جا از مؤمنین هم دارد خالی می‌شود و فقط یک عده کم هستند. یک عده از آن‌ها هم آن قدر تبلیغات سوء کردند که روحانیت در هیچ امری دخالت نکند و... که الآن هم مع‌الأسف همین‌طور شده و نجف، یک جایی شده که طلاب در آن سرشان را پایین می‌اندازند،

درسی می‌خوانند و برمی‌گردند، آسه برو، آسه بیا که گربه ساخت نزنه!

اما این، به چه درد اسلام می‌خورد؟! مرده‌شور آن اسلامی را ببرد که بنا باشد به درد حضرت حجّت (روحی له الفداء) و مردم نخورد! این، اسلام است؟! فقط همه در یک گوشه بنشینیم و مدام «اللهم عجل لولیک الفرج» بگوییم! یا به مسجد سهله برویم و دعا کنیم! من اعلام می‌کنم: چهل شب جمعه و شب چهارشنبه که هیچ، هشتاد شب، صد شب، هزار شب و... هم که بروی، حضرت حجّت (روحی له الفداء) را نمی‌بینی! یک کاری کن که حضرت حجّت (روحی له الفداء) تو را انتخاب کند و بگوید: بیا. کسی که فهم و شعور ندارد که بداند باید برای اسلام کار کند، دعا کردن، درس خواندن و... او به چه درد می‌خورد؟! این درس، وبال است و او را گرفتار و بدبخت می‌کند. حضرت حجّت (روحی له الفداء) از او راضی نیست.

لذا در این روایت می‌فرمایند: کوفه از مؤمنین خالی می‌شود، «و یأرز عنها العلم» و علم هم از آن رخت برخواهد بست. یعنی علمش هم دیگر مانند این‌جا (ایران و قم) نیست. «كما تأرز الحیة فی جحرها» همانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود. «ثم ینظر العلم ببلدة ینقال لها قم» آن‌گاه علم در شهری به نام قم آشکار خواهد شد. «و تصیر معذنا للعلم و القصل» الله اکبر! این شهر، معدن علم و فضل می‌شود، «حتی لا ینقی فی الأرض مستضعف فی الدین حتی المحدثات فی الحجال» تا آن‌جا که بر روی گره زمین کسی نمی‌ماند که در دین، ضعیف و ناتوان باشد، حتی زنان پرده‌نشین!

اگر می‌خواهید این را بدانید، بعضی‌ها از شما به همین عراق بروید، می‌بینید این‌قدر که خودتان مسئله و روایت می‌دانید و پای مباحث اخلاق هستید، آن‌ها اصلاً بی‌اطلاعتند. آن‌جا اصلاً از این خبرها نیست. اگر کسی از عرفا پیدا شود که آن هم دیگر در آن‌جا نیست؛ چون آن‌جا دیگر از اولیاء الهی و عرفا خالی شده و شاید فقط یکی دو نفر در نجف باشند. اما بگردید ببینید کجا دارید یک بحث اخلاق در عراق در نجف اشرف باشد که مردم بروند و پای درس اخلاق بنشینند؟! می‌بینید که اصلاً چنین چیزی در آن‌جا موجودیت ندارد. شهرهای دیگر هم ببینید، نیست. کشورهای دیگر هم که هیچ، در عراق که اکثریت شیعه هستند، نیست؛ چه برسد به سایر کشورها! اما شما خیلی از مطالب را می‌دانید. زن‌ها و دخترانمان هم خیلی چیزها را می‌دانند. اما آن‌ها احکام و خیلی از مطالب دیگرشان را نمی‌دانند. البته در این‌جا هم شاید بعضی‌ها ندانند، اما باز هم با آن‌جا خیلی فرق می‌کند.

من خودم وقتی در نجف بودم و داشتم به حرم امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) می‌رفتم، کسی از من سؤال کرد و گفت: رفیق من می‌گوید نباید جنب وارد حرم شود، من تعجب کردم، آیا این درست است؟ یعنی اصلاً حکم این مسئله را هم نمی‌دانست، اما حالا جوانان ما را ببینید.

در ادامه می‌فرمایند: «و ذلك عند قرب ظهور قائمنا» و این واقعه نزدیک ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ماست. بعد حضرت مطلبی را می‌فرمایند که باور آن بسیار سخت است، می‌فرمایند: «فیجعل الله قم و أهله قائمین مقام الحجة» یعنی خداوند، قم و مردم آن را قائم مقام حضرت حجّت (روحی له الفداء) می‌کند.

لذا اهل ایران، همان کاری را که حضرت حجّت (روحی له الفداء) می‌خواهند انجام دهند، انجام می‌دهند و قائم مقام ایشان هستند.

مجدد می‌فرمایند: «و لو لا ذلك لساحت الأرض بأهلها» اگر چنین نبود و این‌ها این کار را نمی‌کردند، زمین اهل خود را فرو می‌بلعید. «و لم ینق فی الأرض حجة» و در روی زمین حجّتی باقی نمی‌ماند. پس این‌ها باید این کار را می‌کردند.

لذا نمی‌دانید آقا جانمان، حضرت حجّت (روحی له الفداء) چقدر از این انقلاب خوشحال شدند.

حضرت در ادامه می‌فرمایند: «فیفیض العلم منه إلى سائر البلاد فی المشرق و المغرب، فیتیم حجة الله علی الخلق، حتی لا ینقی أحدٌ علی الأرض لم ینلغ إليه الدین و العلم، ثم ینظر القائم علیه السلام»، علم از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین ترتیب حجّت خدا بر بندگانش تمام می‌شود؛ چندان که در گره خاک، کسی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. سپس قائم علیه السلام ظهور می‌کند.

وجه تسمیه قم از لسان مبارک حضرت صادق القول و الفعل (علیه الصلوة و السلام)

در روایتی دیگر، عقان بصری نقل می‌کند که «قال لی [الإمام الصادق علیه السلام]: أ تدری لِمَ سُمیَ قم؟» [۱۳] حضرت صادق القول و الفعل (علیه الصلوة و السلام) به من گفتند: آیا می‌دانی چرا قم را قم گفته‌اند؟ «قلت: الله و رسوله و أنت أعلم» عرض کردم: خدا و پیامبرش و شما بهتر می‌دانید، من چه می‌دانم؟! «قال: إنما سُمیَ قم لأن أهله یجتمعون مع قائم آل محمّد صلوات

اللّٰهُ عَلَيْهِ، وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ» حضرت فرمودند: از آن رو قم را قم نامیده‌اند که مردم آن بر گرد قائم آل محمد صلوات الله عليه فراهم می‌آیند و همراه او قیام می‌کنند و در راه او پایداری و استقامت می‌ورزند- که رمز همین پایداری است - و یاری‌اش می‌کنند.

مردمانی مانند پاره‌های آهن!

روایتی هم از حضرت باب‌الحوایج، موسی‌بن‌جعفر (صلوات الله و سلامه عليه) بیان شده که این روایت را خیلی شنیدید، اما آخرش را خیلی کم می‌گویند و من حیفم می‌آید که بیان نکنم. حضرت فرمودند: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَمٍّ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ». مردی از قم، مردم را به حق فرا می‌خواند و بر گرد او مردمانی فراهم می‌آیند که چونان پاره‌های آهن استوارند.

واقعاً مردم ایران مانند پاره‌های آهن بودند و الآن هم شما این‌گونه مقاوم هستید. این مقاومت شما، پدر آن‌ها را درآورد. در این مطالب تأمل کنید، حیف است.

بچه سیزده، چهارده ساله، در آن زمان چگونه برخورد کرد؟! الآن بچه‌هایی که سربازی می‌روند و در شهرستان می‌افتند، دلشان برای پدر و مادرشان تنگ می‌شود و یک موقع در آسایشگاه در تنهایی گریه هم می‌کنند. تازه نوزده بیست سالشان است، اما چون از پدر و مادرشان جدا شدند، دلشان می‌گیرد. حالا سیزده، چهارده سالگی که دیگر معلوم است. حالا ببینید یک بچه سیزده، چهارده ساله انقلاب ما، در کشور عراق، آن هم در مقابل بعثی‌هایی که معلوم است جنسشان چیست، نطفه‌شان چیست و از استخبارات هستند، چگونه برخورد می‌کند! شاید طبیعی، این باشد که وقتی این بچه آن‌ها را با هیکل‌های آن‌طور می‌بیند، باید خودش را خراب کند. اما وقتی آمدند مصاحبه کنند که بگویند: ایرانی‌ها به ته دیگ خوردند که این بچه‌ها را آوردند. اگر یادتان باشد، تلویزیون نشان داد یک زن هندی آمد مصاحبه کند؛ آن بچه گفت: من با تو مصاحبه نمی‌کنم. گفت: چرا؟ گفت: برو حجابت را درست کن. در حالی که اگر قصد ریه و لذت نباشد، اشکال ندارد موی سر کسی که اجنبی است، را ببیند. اما آن مصاحبه‌گر مجبور شد رفت روسری و شالی انداخت و گفت: حالا مصاحبه می‌کنی؟ گفت: آره. اول چیزی هم که گفت، این بود:

ای زن به تو ازفاطمه این‌گونه خطاب است ارزنده‌ترین زینت زن، حفظ حجاب است

چه کسی یک جوان سیزده چهارده ساله، را این‌چنین درست کرده که در عراق، در اسارت، این‌گونه بگوید؟ آیا امام او را دوست کرده؟! خیر، حضرت حجت (روحی له الفداء) درست کرده است. لذا این‌ها واقعاً آزاده بودند. از دنیا بریده بودند و آزاد آزاد بودند. برای همین خیلی با شجاعت، مثل یک مرد بالای چهل، پنجاه سال، قوی و محکم صحبت می‌کرد.

انقلاب ایران؛ در اثر طوفان‌های سهمگین هم به لرزه نمی‌افتد! / انقلابیون ایران، خستگی‌ناپذیر و شجاع!

«لَا تُزَلِّهُمُ الرِّيحُ العَوَاصِفُ» طوفان‌ها آن‌ها را به لرزه نمی‌اندازد. لذا هر بادی از هر طرفی بیاید، این‌ها را از بین نمی‌برد.

مگر فتنه‌ها نبود؟ مگر مطالبی که اوایل انقلاب به وجود آمد، نبود؟ مگر دو دستگی‌ها، سه دستگی‌ها و... وجود نداشت؟ حتی کسانی در مسند مرجعیت هم در مقابل امام ایستادند. اینکه سید باشی، مرجع باشی، آن‌وقت در مقابل رهبر بایستی، خیلی خطرناک است. اما الآنکه دیگر گذشته دقت کنید، او، کسی بود که آن زمان در خیلی از جاها به خصوص در میان آذری‌ها نفوذ داشت، اما جالب این است که اول کسانی هم که با آن مرجع کذایی مخالفت کردند، از خود آذری‌ها بودند که علیه او قیام کردند. لذا خدا این‌طور درست می‌کند و إلا مگر خود امام هشتاد ساله، می‌توانست همه این کارها را انجام دهد؟! حتی امام، آدم فرستاد و خودش هم به خانه‌اش رفت، اما او دست برنداشت. بعد از آن هم دشمنان همین‌طور به کارهای خود ادامه دادند، فتنه ۸۸ و ۷۸ را ببینید، مگر شد؟! این‌ها خودشان را خسته نکنند «لَا تُزَلِّهُمُ الرِّيحُ العَوَاصِفُ»، هر چقدر هم از این بادهای سهمگین بیاید، این انقلاب ابداً به لرزه نمی‌افتد. درست است که بحمدلله و المته اکثریت این‌طور هستند، اما خدا می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَأْذَنُ اللَّهُ، بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار به اذن خدا پیروز شدند و خداوند با شکیبایان است» (بقره/249)[۱۴]؛ یعنی حتی اگر کم هم باشند، پیروزند. گرچه کم نیستیم و حماسه نه دی این مطلب را نشان داد، «لَا تُزَلِّهُمُ الرِّيحُ العَوَاصِفُ»

لذا می‌خواهم بیان کنم که دشمنان دیگر نمی‌توانند کاری کنند و کار تمام شده است. بعضی می‌گویند (شاه هم گفته بود): ای کاش همان اول امام را (حالا آن‌ها با لفظ خمینی بیان کردند) کشته بودیم. اما اگر می‌خواستند هم اصلاً نمی‌توانستند چنین کاری کنند، امام از همه چیز آگاه بود و می‌دانست نائب و مهره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

خود امام فرموده بودند که پاکروان، رئیس ساواک آن زمان (در سال ۴۱) پیش ایشان آمد، گفت: اعلی‌حضرت درویشند؛ یعنی

که می‌خواهند پیش شما بیایند، امام فرمودند: نخیر، من ایشان را نمی‌پذیرم. شاید بگویند: او شاه مملکت است، همه چیز در دستش است. حالا مگر شما که هستی؟! یک مجتهد و یک مرجع! اما امام می‌گویند: نه، نمی‌پذیرم!

در جایی دیگر می‌گویند: شورای سلطنت بیایند، امام می‌گویند: نه، نمی‌پذیرم. استعفا بدهند، بعد بیایند. حتی در سال ۵۵ هم که دیگر تمام شده بود، کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها در زندان به این نتیجه رسیده بودند که دیگر نمی‌شود با شاه در افتاد و منافقین هم که به نام سازمان مجاهدین بودند، به همین نتیجه رسیدند و همه آن‌ها عقب‌نشینی کردند و اعضایشان را هم کم کم لو می‌دادند. یک عده همان موقع از ایران پیش امام رفتند. امام فرمودند: بروید برای انقلاب آماده شوید. خود آقای مطهری گفته بودند که ما گفتیم: مثل اینکه امام متوجه نمی‌شوند، یک مدتی در ایران نبودند و نمی‌دانند چه خبر است! اما امام فرموده بودند که بروید آقایان علماء را آماده کنید. بازاری‌ها هم که رفته بودند، امام همین را فرموده بودند.

یکی از کسان دیگری هم که رفته بودند، خانم مرضیه حدیدچی دباغ بود. خود ایشان می‌فرمود: من از لبنان آمده بودم و یک روز از طریق آقای محتشمی که من را می‌شناخت به خدمت امام رسیدم و ایشان فرمودند: ما ان شاء الله به زودی پیروزییم، بروید آماده شوید. امام چه دارند می‌گویند؟! در نجف نشستند و نمی‌دانند ایران چه خبر است، ما خبر داریم که ایران چه خبر است. اما امام همه چیز را می‌دانستند، پس تأمل کنید که از کجا می‌دانستند؟

اول ۵۶ کارتر به ایران آمد، شش، هفت ماه مانده و هنوز انقلاب شروع نشده، کارتر گفت: ایران، جزیره امن است. لذا گویی همه چیز تمام شده بود و آرامش و امنیت حاکم بود. اما امام در چنین زمانی از کجا می‌دانستند؟ چه کسی به ایشان خبر داده است؟

«و لا یَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ»، این‌ها از جنگ خسته نمی‌شوند.

ما این را در جنگ دیدیم. وقتی قطعنامه پذیرفته شد، خیلی از این بچه‌های ما گریه می‌کردند که چرا قطعنامه پذیرفته شد. بعد گفتند: چون امام گفتند، ما می‌پذیریم و الا هر کس غیر از امام می‌گفت، گردنش را خرد می‌کردیم. خیلی‌ها گریه می‌کردند و به قرارگاه می‌رفتند و می‌گفتند: ما خسته نشدیم!

نمونه‌اش هم همین بود که فکر کردند تمام شد و مجدد جنگ راه انداختند که با عملیات مرصاد، جلوی آن‌ها ایستادند. همین که امام یک ندا داد، دوباره همه آمدند و پر شد. تا جایی که گفتند: بس است، دیگر نمی‌توانیم اعزام کنیم.

«و لا یَجْبُتُونَ» این‌ها اصلاً بزدلی نشان نمی‌دهند، خسته نیستند، نمی‌ترسند و اصلاً ترسی ندارند.

چرا امام المسلمین در رابطه با مذاکرات هیچ نمی‌گویند و آرام هستند؟

در آخر هم می‌فرماید: (می‌خواهم این را بیان کنم که مهم است) «و علی الله یتوکلون» این‌ها همه به این خاطر است که توکلشان به خداست. توکلشان به این نیست که مثلاً با مذاکرات، دو زار گیرمان بیاید و بعد هم آن مردک برگردد آن‌گونه بگوید که ما اجازه نمی‌دهیم و... چرا امروز فرانسوی‌ها آمدند؟ چون امروز همه تشنه هستند که بخواهند با ما رابطه برقرار کنند. آن وقت آن مردک جان کری بخواهد آن‌طور بیان کند و برای ما گری بخواند! اولی خوب این آقای کری، کری هم هست؛ چون نمی‌فهمد ما مردمی هستیم که ایستاده‌ایم، اهل مقاومتیم و توکلمان به خداست. توکل ما به این و آن و حسن و تقی و نقی نیست.

این هم که می‌بینید آقا خیلی آرام هستند و بعضی از این متعجبند؛ دلیل دارد. بگذارید برای شما بگویم و پرده را بالا ببرم که چرا آقا راجع به مذاکرات هیچ نمی‌گویند؟ چون می‌دانند که چه خبر است و حضرت حجت (روحی له الفداء) نهایت قضیه را برای ایشان بیان کرده و ایشان می‌دانند. لذا ما گاهی یک مقدار در تلاطمیم که چرا این‌طور کردند و آن‌طور کردند، نکند آن‌ها عقب بروند، نکند...، اما عزیزان! این را بدانید که این انقلاب، عقب نمی‌رود. مگر آن‌هایی که به ظاهر اهل اصلاحاتند، توانستند آن را عقب ببرند؟!

قرآن می‌گوید: مدعیان اصلاحات، مفسدند و شعور ندارند!

من در مورد این اصلاح‌طلبان ظاهری مطلبی را بیان کردم که بعضی ایراد گرفتند. در حالی که آن حرف، حرف من نبود، بلکه قرآن می‌گوید. باز هم به صراحت می‌گویم که این‌ها اگر فکر می‌کنند با تهاجمشان ما دیگر حرفمان را نمی‌زنیم، بدانند اشتباه می‌کنند و ما در هر حالی ما حرف قرآن را بیان می‌کنیم. قرآن بیان کرده که اولاً بر قلوب و گوش‌های این‌ها مهر خورده است و بر چشم‌هایشان پرده کشیده شده است «حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ، خداوند بر دلهای آنان و بر شنوایی ایشان مهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای است و آنان را عذابی دردناک است» (بقره/ 7) [۱۵]، بعد هم می‌فرماید: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنینَ، و برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان [راستین] نیستند» (بقره/ 8) [۱۶] این‌ها گفتند: ما ایمان آوردیم، اما ایمان نیاوردند و بعد هم خدعه زدند «یُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا یُخَدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا یَشْعُرُونَ، با خدا و مؤمنان نیرنگ می‌بازند ولی جز بر خویشان نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند» (بقره/ 9) [۱۷] این‌ها فکر می‌کنند که به ما خدعه زدند، اما بی‌شعورند و نمی‌فهمند که به خودشان خدعه می‌زنند. لذا فکر نکنند با انقلابیون خدعه‌بازی کردند. «فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلیمٌ یَما کَاثُوا یُکَذِّبُونَ، در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند عذابی دردناک [در پیش]

خواهند داشت» (بقره/ 10) [۱۸]، یکی از موارد این «فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»، همین است که نمی‌فهمند و فکر می‌کنند که همیشه این‌طور است. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ، وَ چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید» (بقره/ 11) [۱۹] ما به این‌ها می‌گوییم: فساد نکنید، «قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ، می‌گویند ما خود اصلاح‌گریم» (بقره/ 11) می‌گویند: ما اصلاح‌طلبیم.

لذا این حرف قرآن است و من از خودم نمی‌گویم. قرآنکه کهنه نیست که فقط برای آن موقع باشد، اگر این‌طور باشد باید قرآن را ببوسیم و کنار بگذریم. عزیز دلم! قرآن، همیشگی است.

«وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» وقتی به آن‌ها گفته می‌شود: فساد نکنید، می‌گویند: ما فساد نکردیم، ما مصلحیم. حال، آیا این‌ها فساد نکردند؟ آیا این‌ها فحشاء را به نام آزادی گسترش ندادند؟ آیا در سال ۸۸ فساد نکردند؟ آیا در سال ۷۸ در کوی دانشگاه فساد نکردند که خودشان هم دانشجو نبودند و کسان دیگر را به نام دانشجو آوردند و فساد راه انداختند؟ آیا فساد نکردند که یک عده بیابند بگویند: ممد نبودی ببینی، رقص آزاد گشته؟!

حال، با همه این‌ها باز می‌گویند: ما فساد نکردیم، چرا به ما مفسد می‌گویید؟ خدا می‌فرماید: «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ، بهوش باشید که آنان فسادگراند» (بقره/ 12) [۲۰] آن‌ها فاسدند «وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ، لیکن نمی‌فهمند» (بقره/ 12) ولی بی‌شعورند و نمی‌فهمند. لذا این را من نمی‌گویم، قرآن می‌گوید: این بی‌شعورها می‌گویند ما مصلحیم.

وقتی هم به آن‌ها می‌گویید که مانند مردم ایمان بیاورید؛ «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ، وَ چون به آنان گفته شود همان‌گونه که مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید می‌گویند آیا همان‌گونه که کم‌خردان ایمان آورده‌اند» (بقره/ 13) [۲۱] می‌گویند: ما مثل این‌ها که نهمند و دهاتی و روستایی و چنین و چنان هستند، ایمان بیاوریم؟! «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ» این‌ها خودشان، سفیه و نادان هستند ولی نمی‌دانند.

«وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا» وقتی با مؤمنین هستند، می‌گویند: نه ما هم اهل انقلابیم، چه کسی گفته ما انقلابی نیستیم؟! مثل همین الآن هم که مدام از ولایت فقیه و رهبر بیان می‌کنند، «وَ إِذَا حَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ، با شیطانهای خود خلوت کنند» (بقره/ 14) [۲۲] اما با شیطان‌هایشان که خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شما هستیم «قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ» و ما این‌ها را به استهزاء گرفته‌ایم، «إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ»

«اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ، خدا [است که] ریشخندشان می‌کند و آنان را در طغیان‌شان فرو می‌گذارد تا سرگردان شوند» (بقره/ 15) [۲۳] خدا اجازه می‌دهد این‌ها طغیان کنند و در آن سرگردان باشند. این‌ها بدبختند؛ چون خودشان ضلالت را خریدند، «أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ، همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار] نیاورد و هدایت‌یافته نبودند» (بقره/ 16) [۲۴] به این‌ها چندین بار گفته شده که بیایید پیش مردم باشید، بیایید با انقلاب باشید، بیایید پیرو حقیقی حضرت امام و الآن پیرو امام المسلمین باشید، اما این‌ها همان‌هایی هستند که علناً اعلام کردند: ما اصلاً ولایت‌فقیه را قبول نداشتیم، منتها در زمان امام نمی‌توانستیم بیان کنیم! «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الذِّبْيِ اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ، مثل آنان همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد خدا نورشان را برد و در میان تاریکی‌هایی که نمی‌بینند رهایشان کرد» (بقره/ 17) [۲۵] این‌ها یک چیزی می‌گویند و جلو می‌آیند، اما خدا نورشان را می‌گیرد و آن‌ها را در تاریکی‌ها می‌کند. «صَمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ، کردند لالند کورند بنابراین به راه نمی‌آیند» (بقره/ 18) [۲۶] بدانید این‌ها برگشتی ندارند.

رمز پیروزی

اما این‌ها که بر خدا توکل کردند، چه کسانی هستند؟ اهل تقوا و اهل اخلاق هستند؛ چون در انتهای این روایت می‌فرماید: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، و فرجام از آن، پرهیزگاران است. عزیز دلم! شما هم اهل تقوا و اخلاق باشید، دنیا نمی‌تواند مقابل شما بایستد. پس اگر خواستیم به این‌جا برسیم، مهم این است که اهل تقوا و اخلاق باشیم. اگر اهل تقوا بودیم، عاقبت برای متقین عالم است و معلوم است آن‌ها اوضاعشان به هم ریخته است.

خدا گواه است این امام عظیم‌الشأن، بالجد فقط مطیع خدا بود. خود آشیخ حسن صانعی بیان کردند: وقتی امام آمدند، ما به ایشان گفتیم: آقا شما فرمودید که مردم با ما هستند. امام فرموده بودند: فکر نمی‌کنید با همین جمله، ما پانزده سال عقب افتادیم؛ یعنی من همیشه توکلم به خداست. لذا دیگر از آن‌جا به بعد برای امام مهم نبود که حتی اگر همه نستجیر بالله یک روز می‌گفتند: مرگ بر فلانی، در ایشان تغییری ایجاد نمی‌شد. البته این امّت الحمدلله امّت باوفایی هستند. لذا امام تعارفی صحبت نکردند که فرمودند: از صدر اسلام تا به حال هیچ امّتی مثل ایران نبوده و نیستند. امام تاریخ را دیدند،

قبل را دیدند، بعد را دیدند، همه را می‌دانند، همه پرونده را برای امام باز کرده‌اند و ایشان دیدند (اولیاء خدا این طور هستند که پرونده را می‌بینند). این عنوان امت و امام مهم است که در قرآن هم امت و امام بیان شده است.

لذا امام درست فرمودند که هیچ امتی مثل ایران نیستند، البته یک سری هم نخاله‌هایی هستند که خیلی کم هستند، اما اکثریت مردم ما را نگاه کنید، نه دی را نگاه کنید. امکان دارد مثلاً یک لحظه نفس دون، شهوتی، چیزی، غالب شود، اما به موقع به صحنه می‌آید و می‌گوید: من دست از رهبر و دست از اسلام و قرآن برنمی‌دارم. چون نه دی ناگهانی شد، نتوانستند به خوبی فیلم‌برداری کنند. اما شما که بودید، می‌دانید که غوغا بود. لذا مردم ما این‌گونه هستند.

پس رمز این است که اگر می‌خواهیم پیروز شویم، باید تقوا و اخلاق را حتماً داشته باشیم. البته منظورم این نیست که سلاح و... نباید داشته باشیم، چرا، آن‌ها را هم باید داشته باشیم که رعب در دل دشمن بیاندازیم، اما سلاح کار نمی‌کند، پهباد را سلاح ما نگرفت زمین بگذارد، پهباد را تقوا گرفت زمین گذاشت. لذا این‌ها باید بروند ببینند در ایران چه خبر است.

حالا هر که هر چه می‌خواهد بگوید، بگوید. مثلاً یک عده می‌گویند: این‌ها می‌خواهند بگویند دست‌های غیبی در کار است. بله، واقعاً هم همین است. همان‌طور که خود امام هم این را بیان کردند. این‌ها که ادعای پیروی از خط امام می‌کنند، اگر می‌خواهند این حرف را مستمسک تمسخر قرار بدهند و به سخره بگیرند؛ بدانند که این را چندین مرتبه امام بیان کردند. شما هم می‌توانید به صحیفه امام رجوع کرده و ببینید. رهبر عظیم‌الشأنمان هم چند مرتبه بیان کردند.

لذا صاحب اصلی این نظام، کس دیگری است و معلوم هم هست که خودش هم نگاه می‌دارد. البته قرآن هم می‌فرماید که این‌ها استهزا می‌کنند و ما هم چیزی جز این مسخره کردن از آن‌ها انتظار نداریم؛ چون کار این‌ها، این است و ما این را می‌دانیم، اما نتوانستند ضربه بزنند؟! نتوانستند و نمی‌توانند. پس بدانید به فضل الهی شما باید دو کار انجام دهید: ۱- تقوا و اخلاق ۲- مدام دعا کنید که ظهور آقا جان در عمر ناقابل ما باشد.

من سربسته بیان می‌کنم که ان‌شاءالله به فضل الهی ظهور، نزدیک است و ما فقط باید تقوا و اخلاقمان را زیاد کنیم. علم را خودشان عنایت می‌کنند. البته اشتباه نشود، کسی نگوید که ما علم را نمی‌خواهیم و باید بیوسیم و کنار بگذاریم، اما آنچه که مهم است و علم را هم می‌آورد، همین تقوا و اخلاق است. لذا رمز این است، این را زیاد کنید، ببینید چه خبر است. اگر این کار را انجام دهید، دیگر خودتان می‌بینید چه خبر است و لازم نیست که من بگویم. مدام تقوا و اخلاق را زیاد کنید، ببینید به شما هم نشان می‌دهند یا نمی‌دهند. همان‌طور که به آیت‌الله العظمی بهاء‌الدینی، آیت‌الله مولوی قندهاری، آیت‌الله العظمی بهجت و... نشان دادند.

پروردگارا! به اولیاء و انبیاءت، به خصیصین درگاهت قسمت می‌دهیم، آقا جانمان، حضرت حجّت (روحی له الفداء)، از ما راضی و خشنود بگردان یک مطلبی هم که بیان کردم، باز هم می‌گویم، این است که شب‌ها با آقا جان حرف بزنید. ما هر چه داریم، اصلاً همه عالم، به ید قدرت آقا جانمان است «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء». همه چیز آفاست و آفاست، با آقا حرف بزنیم.

آقا جان! خودت صاحب این انقلابی، انقلابت را که حفظ می‌کنی، ما را هم حفظ کن که در راه تو بمانیم. یکی از دعاهایی که ما باید بکنیم، این است که آقا جان! ما در این راه بمانیم. نگاه کنید، این هم یک کدی است که به شما می‌دهم و آن اینکه هر کسی هم از این راه دور شد، آن‌هایی بودند که به دنیا رو آوردند. مگر غیر از این است؟! خانه‌هایشان کجا رفت و چند متری شد! یک موقعی خانه صد متری داشتند، الآن چند صد متری شده! یک زمانی ادعا می‌کرد انقلابی است، بعد چه شد! برای اینکه به دنیا دل بست، هر که دلبستگی‌اش به دنیا بیشتر شد، علیه نظام و علیه امام راحل و علیه امام المسلمین بیشتر ایستاد. اگر غیر از این است بگویید. شیک و چین و چنان شدند. بنا بود با مردم باشند، اما کجا رفتند! حضرت حجّت (روحی له الفداء) این‌ها را طرد و بیرون می‌کند. این انقلاب برای حضرت است. آقا جان! ما را در راه خودت ثابت قدم بدار.

۱. کنز العمال: ۳۸۶۵۷.

۲. بحار الأنوار: ۳۷/۲۱۶/۶۰.

۳. کنز العمال: ۳۵۱۲۶.

۴. الملاحم و الفتن: ۳۱۴ / ۴۴۵.

۵. المطالب العالیة: ۴/۳۳۷/۴۵۴۴.

۶. واقعه / ۱۰ و ۱۱

۷. واقعه / ۱۳ و ۱۴

۸. بحار الأنوار: ۲۲/۲۱۳/۶۰.

۹. یوسف / ۸۷

۱۰. قلم / ۴

۱۱. فتح / ۲۹

۱۲. فتح / ۲۹

۱۳. بحار الأنوار: ۳۸ / ۲۱۶/۶۰.

۱۴. بقره / ۲۴۹

۱۵. بقره / ۷

- ۱۶. بقره / ۸
- ۱۷. بقره / ۹
- ۱۸. بقره / ۱۰
- ۱۹. بقره / ۱۱
- ۲۰. بقره / ۱۲
- ۲۱. بقره / ۱۳
- ۲۲. بقره / ۱۴
- ۲۳. بقره / ۱۵
- ۲۴. بقره / ۱۶
- ۲۵. بقره / ۱۷
- ۲۶. بقره / ۱۸